

جنايات اعراب جاهليت

از ابتدای حملات هوایی و موشکی اعراب جاهلیت عربستان و متحدانش به مناطق مختلف یمن، صدها غیرنظامی بیگناه شهید و زخمی شده‌اند و آمار قربانیان به سبب شدت حملات آل سعود هر لحظه در حال افزایش است. جنايات آل سعود در یمن که به بهانه دروغین حمایت از مردم این کشور همچنان ادامه دارد با سکوت و همدستی مدعیان دروغین دفاع از حقوق بشر روبه‌رو شده است.

اینگونه اقدامات اعراب جاهلیت به عنوان نسل‌کشی، اقدام علیه بشریت و نقض تمام قوانین بین‌المللی است. سکوت سازمان‌های جهانی از جمله شورای حقوق بشر و کشورهای حامی تجاوز نظامی سعودی در برابر آن امری سؤال برانگیز است. در این راستا تصاویر متعددی از کشتار مردم بی‌گناه یمن منتشر می‌شود. حسن شمشادی در صفحه مجازی خود تصویری از یک پدر یمنی را منتشر کرده است که با پیکر بی‌جان کودک خود عکس گرفته است و آخرین وداع اشک‌آلود خود را به تصویر کشیده است:



**بشنویم از آداب عربستان جدید و
بخندیم**

1- دلیل طلاق در عربستان

یک زن 50 ساله عربستانی به دلیل تلاش همسرش برای کنار زدن روبند صورتش در خواب - آن هم پس از 30 سال زندگی مشترک - درخواست طلاق داد.

به گزارش «العالم» این زن که از اهالی یکی از روستاهای منطقه خمیس مشیط عربستان است می‌گوید: همسر من قصد داشت دست به کاری بزرگ و خلاف عادات و رسوم ما بزند و من بخاطر این کار تقاضای طلاق دارم.

همسر این زن پس از عذرخواهی فراوان و قسم خوردن به عدم تکرار این کار، همسر خود را از درخواست طلاق منصرف و به ادامه زندگی مجاب کرد. گفته می‌شود چندی پیش مرد دیگری پس از 40 سال زندگی مشترک در اقدامی مشابه مورد تهدید همسرش قرار گرفته بود و آن مرد به همسرش گفته بود اگر اجازه ندهی صورتت را ببینم، تجدید فراش خواهم کرد، آن زن هم حاضر شد هوو به خود ببیند! ولی عادات و رسوم قبیله خود را زیر پا نگذارد.

2- روشن کردن کولر برای زن حرام است

یکی از علمای سلفی وهابی عربستان با صدور فتوایی، روشن کردن کولر در غیاب شوهر را برای زن حرام کرد. به گزارش العالم، علمای وهابی در چند سال اخیر، علاوه بر فتوای تحریم گروه های مختلف و مذاهب مخالفان، اقدام به صدور فتواهای مضحکی کرده اند، که با هیچ منطقی قابل تفسیر نیست.

در آخرین نمونه از این گونه فتواها، یکی از سلفی های وهابی که بر روی صفحه تویت، خود را " علامه ابوالبراء " می خواند، با صدور فتوایی اعلام کرد: روشن کردن کولر برای زن، در غیاب شوهر حرام است.

این علامه سعودی در توجیه این فتوا تاکید کرد: اقدام زن در روشن کردن کولر در غیاب شوهر، مساله ای بسیار خطرناک است و می تواند به رواج فحشا در جامعه بیانجامد.

وی افزود: وقتی زنی در غیاب شوهر خود کولر خانه را روشن کند، ممکن است همسایه متوجه شود که زن در منزل است و به همین سبب مرتکب زنا و فحشا شود.

3- خوردن گوشت همسر حلال است

عبدالعزیز آل شیخ مفتی جنجالی عربستان سعودی با صدور فتوای جدیدی خوردن گوشت همسر را برای مرد مباح اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه القدس العربی، وی در توجیه فتوای عجیب خود گفت: در صورتی که شوهر احساس گرسنگی کند که این گرسنگی منجر به مرگ وی شود، جایز است که بخشی از گوشت بدن همسر خود را بخورد!

وی افزود که این امر در چارچوب ضرورت اطاعت محض زن از همسر خود قابل قبول است.

فتوای جدید مفتی عربستان با واکنش های متفاوتی از سوی جهان عرب مواجه شده و بسیاری از نخبگان و اندیشمندان عرب این فتوا را محکوم کرده اند.

پیش از این عبدالعزیز آل شیخ با صدور فتوای دیگری ازدواج دختران کم سن و سال با مردان سالمند را جایز دانست.

4- کسی که با شیعیان علیه صهیونیست بجنگد مرتکب حرام شده

عبدالعزیز آل الشیخ "مفتی کل عربستان سعودی، دیروز در یک برنامه تلویزیونی، به صورت رسمی فتوا داد که اگر کسی با روافض (شیعیان) علیه صهیونیست بایستد، مرتکب حرام شده است، زیرا که در این دوره فقط شیعیان علیه صهیونیست مقابله می کنند و نباید با آنها همکاری کرد.

عبدالعزیز آل الشیخ در بخشی از این برنامه زنده، یکی از بینندگان طی یک تماس تلفنی، از مفتی کل پرسید: پس تکلیف گروه های مقاومت فلسطینی چه می شود؟

مفتی عربستان در پاسخ گفت: این گروه های مقاومتی هیچ رگ و ریشه ای ندارند، عقیده ندارند مخصوصاً حماس!.

وی گفت: ما بودجه هایی برای تغییر افکار حماس قرار دادیم و نتیجه بخش بود، برادران ما در گروه حماس ما را در جهاد سوریه بسیار یاری کردند و از گروه فتح باید ترسید زیرا که با روافض (شیعیان) ارتباط دارند.

در یکی دیگر از تماس‌ها با مفتی عربستان، از وی سوال شد: یا شیخ! اگر کسی در جنگ سی و سه روزه با اسرائیل کشته شده باشد، حکم این فرد چیست؟

وی گفت: اگر با حزب الله همکاری نکرده باشد و ناگهانی کشته شده، طبعاً شهید است! ولی اگر با حزب الله همکاری داشته به مرگ جاهلیت مرده است!

اظهارات وقیحانه این مفتی زشت روی سعودی در خصوص همکاری با حزب الله در نبرد با صهیونیسم جانی، در حالی مطرح می‌شود که اربابان کاخ نشین تجمّل گرای سرمست از ثروت و شهوت، در دربار سعودی، از آشکار شدن خدمات بی‌شائبه شان به جنگ طلبان مسیحی و یهودی و در اختیار گذاردن پایگاه‌های نظامی خود برای کشتن مسلمانان و حتی پرداخت حقوق تفنگداران اشغالگر، هراسی ندارند.

و البته بدیهی است که جریان منحوس و هابیت با یهود ارتباط تنگاتنگ دارد و جالب اینجاست که این مفتی به جهاد در سوریه تأکید می‌کرد و برای کشته شدگان تروریست دعای خیر می‌نمود.

5- جشن میلاد پیامبر حرام است

عبد العزیز بن عبد الله بن محمد بن عبد اللطیف آل الشیخ، از نوادگان عبدالوهاب، موسس فرقه وهابیت است و از سوی شاه عربستان به مقام مفتی عام و اعظم وهابیان عربستان سعودی و رئیس هیات کبار علما عربستان منصوب شده است. وی در مصاحبه با روزنامه سعودی المدینه گفت: جشن گرفتن برای میلاد پیامبر بدعتی بی اساس است. من هیچ سابقه ای درباره جشن گرفتن برای تولد در سنت رسول خدا، شیوه خلفای راشدین و ائمه هدایت نمی شناسم و بر همین اساس جشن میلاد پیامبر حرام است.

6- تظاهرات بدعت است

عبد العزیز بن عبد الله بن محمد گفته تظاهرات در زمان پیامبر وجود نداشته و بدعت است. اگر هم سیاستمداران، فاسد باشند، این خداست که حق دارد از آنها بازخواست کند و اگر صلاح بداند حکومت را از آنها می‌گیرد.

برخی فتوای دیگر عبد العزیز بن عبد الله بن محمد:

* جشن ملی عربستان حلال، جشن و تبریک میلاد پیامبر حرام.

* راهپیمایی برای دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان توهین نشریات و شخصیت‌های غربی به پیامبر، حرام!

* شعار علیه آمریکا حرام، حمله به شیعیان واجب.

- * راهپیمایی برای حمایت از مردم غزه و فلسطین حرام.
- * فروش لباس زیر زنانه توسط زنان حرام.
- * سجده فوتبالیستها بعد از گل زدن مکروه.

7- تعرض به نوجوانان ایرانی مجاز و قابل قبول است

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران، اخبار تعرض ماموران امنیتی عربستان سعودی به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده را بسیار تاسف بار، خطرناک و نگران کننده می داند؛ بویژه آنکه این اقدام براساس عقاید اعلام شده از سوی یکی از شیوخ و امامان جماعت جده، که با عنوان فتوا بیان شده، صورت گرفته و نشان می دهد که وی اینگونه اقدامات را نه تنها غیراسلامی و غیر قانونی نمی داند، بلکه آن را مجاز و قابل قبول اعلام کرده است. این موضوع نشان می دهد که ما نمی توانیم حادثه تاسف بار فرودگاه جده را صرفاً یک اتفاق تخلف آمیز یک یا دو مامور امنیتی تلقی کنیم، چرا که از قرائن برمی آید که با یک روند سیستماتیک و بسیار خطرناک مواجه هستیم.

از این رو، ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران از دولت عربستان سعودی می خواهد که علاوه بر پایبندی به تعهدات اسلامی خود نسبت به زائران بیت الله الحرام، با توجه به کنوانسیون بین المللی حقوق کودک، تعهدات بین المللی خود را نیز محترم شمارد و فراتر از دو مامور خاطی، با همه کسانی که انجام اینگونه افعال را در جامعه عربستان تبلیغ، ترویج و حمایت می کنند برخورد قاطع و پیش گیرانه داشته باشد.

ستاد حقوق بشر همچنین از شورای حقوق بشر سازمان ملل انتظار دارد که قویا مانع از تکرار و گسترش این اقدامات شود تا مبادا به سایر نقاط جهان نیز توسعه پیدا کند. این شورا همچنین باید در خصوص پیگیری های قانونی چه در چارچوب منشور سازمان ملل و اعلامیه حقوق بشر و چه در چارچوب نقض شدن تعهدات کنوانسیون بین المللی حقوق کودک و بخصوص مواد مربوط به اشاعه نفرت، نابردباری و تجاوز به کودکان، اقدام قاطع بعمل آورد.

همچنین طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران بر اساس مواد ۴۴ و ۴۵

کنوانسیون بین المللی حقوق کودک این حق را برای خود محفوظ می داند که این حادثه خطرناک و کریه را از طریق مکانیزم های بین المللی به طور قاطع پیگیری کند.

8- نوشیدن ادرار تروریستهای سوریه جایز و باعث پاک شدن گناهان می شود

“صالح الغامسی” خطیب مسجد “قباء” در شهر مدینه مجوز نوشیدن ادرار آنچه که او مجاهدین سوری در بین ارتش آزاد و جبهه النصره خوانده را با هدف پاک شدن گناهان صادر کرده است.

این خبر را چندین پایگاه خبری عربستان نزدیک به این شیخ سلفی پس از مصاحبه او با شبکه “وصال” عربستان که گفته بود: دنیا مرحله عبور است و مومنان و مجاهدین به ویژه در سوریه در پی مجهز شدن به کار خیر و پاک شدن گناهانشان هستند و این آزمایشی برای مجاهدین است که با اجرای حکم نوشیدن ادرار گناهانشان پاک شود، منتشر کردند.

او همچنین در مورد جهاد نکاح گفته بود: از چندین نفر شنیدم که به این فتوا انتقاد دارند اما این فتوا مشکلی ندارد و من آن را تایید می کنم.

9- آزاد بودن تجاوز به زنان راننده

ابوزیدالسعیدی از مفتیان عربستان سعودی در صفحه تویتو خود به زنانی که در این کشور رانندگی می کنند توهین کرده و از مردان خواست تا به وظیفه خود عمل کرده و به آنان تعرض کنند.

10- سفر زن با هواپیما بدون محرم

حرام است

علمای وهابی عربستان با صدور فتوای عجیبی اعلام کردند: مسافرت زنان با هواپیما بدون آنکه مَحرم به همراه داشته باشند حرام است حتی اگر برای سفر حج باشد.

به گزارش سایت خبر حوزه، بر اساس این فتوا همراه داشتن فرزندان نیز اگر به سن بلوغ نرسیده باشند کفایت نمی کند.

این فتوا در پاسخ به استفتای جمعی از زنان و دختران دانشجویان شد که خارج از شهر ریاض در خوابگاه «ام المؤمنین» سکونت دارند و در تعطیلات رسمی یا در تعطیلات آخر هفته به شهرهای خود سفر می کنند و اغلب آنها با هواپیما به شهر جده یا شهر تهران مسافرت می نمایند.

وجود این تفکر و چنین فتاوایی باعث شد تا مدیریت امور دانشجویان شرط بگذارد دختران و زنان در صورت به همراه داشتن محرم میتوانند سفر کنند. از همین رو و به دلیل اینکه این همراهی محرم برای همه دختران دانشجوی و در همه اوقات میسر نیست و گاهی به خاطر شرایط اضطراری دختر دانشجوی مجبور است به سفر برود. بعضی از دانشجویان با اعلام ناراحتی از این مساله از مرکز فتوای عربستان موسوم به "اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء" سوال کردند و همچنین یک زن مطلقه که سه فرزند دارد و یکی از آنها پسر 9 ساله میباشد از مرکز فتوا در باره سفر با هواپیما با پسرش سوال کرد، اما کمیته فتوا جواب داد که چون محرمی همراه آنان نیست سفرشان حرام است.

ادامه دارد ...

آداب و رسوم اعراب جاهلیت

در اصطلاح به دوره عرب پیش از اسلام که در آن اکثر مردم به شرک و کفر میپرداختند، «جاهلیت» میگویند البته در این دوره برخی نیز خداپرست بودند و اخلاق حسنه داشتند. در این نوشتار آداب و رسوم عرب جاهلی و تأثیر آنها بر جامعه آن روز مورد بررسی قرار گرفته است. در دوره جاهلیت سنت های زشت بسیاری مانند زنده به گور کردن دختران؛ سوت و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا؛ شرابخواری و فحشا؛ تجاوز و جنگ و خونریزی و خرافات، میان اعراب رواج داشت

ولی با این حال نمی توان سنت های پسندیده آن ها مانند مهمان نوازی؛ وفای به عهد؛ شجاعت و حمایت از مظلومان را نادیده گرفت؛ زیرا همین سنت ها بود که در نهایت فطرت خفته بسیاری از آنها را بیدار و موجب هدایت آنها شد؛ بنابراین علت نامگذاری این دوره به «جاهلیت» از باب غلبه کل بر جزء بوده است.

از جمله سؤالاتی که به ذهن انسان خطور می کند عبارتند از: دوره جاهلیت به چه معنا است؟ علت نام-گذاری این دوره به جاهلیت چیست؟ آداب و رسوم و سنت های زشت و پسندیده اعراب جاهلی کدام اند؟ سنت های پسندیده در میان اعراب جاهلی چه جایگاهی داشت و چه تأثیری بر آن ها گذاشت؟ این نوشتار در صدد پاسخ گویی به سؤالات فوق است که برای این منظور به منابع معتبر مراجعه شده است. نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی به ارائه مطالب می پردازد. آشنایی اجمالی با شبه جزیره عربستان

عربستان، شبه جزیره بزرگی به مساحت حدود سه میلیون کیلومترمربع در جنوب غربی آسیا است که از غرب به دریای سرخ و خلیج عقبه و از شرق به خلیج فارس و خاک عراق و از جنوب به دریای عمان و خلیج عدن و از شمال به عراق، سوریه و مصر محدود می شود. بخش های مختلف شبه جزیره نامهایی متفاوت دارد، از جمله: «حجاز»، «نجد»، «یمن»، «تهامه» و «عروض». این تقسیم بندی توسط خود اعراب صورت گرفته است، به طوری که آنها کوه های «سراه» را که امتدادش شمالی - جنوبی است، به عنوان مأخذ در نظر میگیرند، قسمت غرب آن را که از کوه تا دریای سرخ است، «تهامه یا غور»، قسمت شرق آن را تا جایی که مرتفع است، «نجد»، کوهستان فاصل میان نجد و تهامه (کوه های سراه) را «حجاز»، (ر.ک: حموی، 1995 م، ج 2، صص 218-220؛ سیدجوادی و...، 1380 ش، ج 6، صص 86 و 87) دنباله نجد را «عروض» و قسمت واقع

در جنوب حجاز و نجد را «یمن» گویند (ر.ک: فیاض، 1382 ش، صص 3-5؛ نصیری، 1379 ش، ص43)

مردم عربستان به دو دسته تقسیم می شدند:

1. بیابانگردان: صفت بارز آنان بدوی بودن، داشتن آزادی فردی و مهمان نوازی است. اشخاص ضعیف میتوانند به اشخاص قویتر پناه ببرند و حرفه عمومی بدوی گله داری است.

2. شهرنشینان و روستا نشینان: حرفه اصلی شهرنشینان تجارت است، ولی عده ای هم از طریق غارت، مال به دست می آوردند. خانه های روستاییان شهرنشین، برای محافظت از شر بدوی ها، از قلعه های محکم بوده است. (ر.ک: فیاض، 1382 ش، صص 7-12) بیابانگردان را «اهل ویر» و شهرنشینان و روستا نشینان یعنی یکجانشینان را «اهل مدر» میگفتند. (ر.ک: اسماعیلی، 1391 ش، ص46)

جامعه اعراب در آن زمان از گروه های کوچکی به نام «قبیله» تشکیل میشد. میان اعضای قبیله همبستگی شدیدی وجود داشت. در نظام قبیله ای اعراب، همیشه حق با قبیله خودی بود، حتی اگر متجاوز باشند. از این رو، در صورت بروز هرگونه تعدی به اعضای قبیله، همگی خود را نسبت به آن مسئول میدانستند و به حمایت از قبیله خود برمیخواستند. (ر.ک: جواد علی، 1976 م، ج4، صص 313-320)

اعراب کل شبه جزیره به دو گروه بزرگ «قحطانی» و «عدنانی» تقسیم میشدند که نسب قحطانی ها به «قحطان» و عدنانی ها به «اسماعیل (ع)» میرسد. قحطانی ها را «عاربه» یعنی اصلی و عدنانی ها را «مستعربه» یعنی عرب شده میگویند، (ر.ک: فیاض، 1382 ش، صص 15-40) البته دستهای دیگر از اعراب نیز وجود داشته اند که به اعراب «بائده» یعنی منقرض شده شهرت دارند؛ زیرا آنان ساکنان اولیه شبه جزیره بوده که همگی در اثر عذاب های الهی از بین رفته و دیگر اثری از آنها باقی نمانده است. (ر.ک: ابن خلدون، 1408 ق، ج2، ص9) اعراب بائده احتمالاً همان قوم های «عاد»، «ثمود»، «طسم» و «جدیس» بوده اند. (ابن العبری، 1992 م، ص93)

سلطه قریش بر عربستان از زمان «قصی بن کلاب» آغاز میشود، او وقتی کوچک بود، پدرش از دنیا رفت و شخصی از بنی عذره (قضاعه) به نام «ربیع بن حزام» (بلاذری، 1959 م، ج1، ص48؛ بلعمی، 1373 ش، ج3، ص8) با مادر او به نام «فاطمه بنت سعد بن سَیْل» (ابن هشام، بیتا ج1، ص104؛ یعقوبی، بیتا ج2، ص122) ازدواج کرد و او را به همراه مادرش به خانه خود در شام برد. (ر.ک: طبری، 1387 ق، ج2، صص 254 و 255) چون او از زادگاهش دور شد به «قصی» معروف گردید. (ابن

قصی در شام بزرگ شد و چون به سن بلوغ رسید، به مکه آمد و با دختر آخرین امیر خزاعی ها به نام «حُبَّی بنت حلیل بن حبشیه» ازدواج کرد و پس از مرگ پدر زنش، خویشاوندان خود را گرد خود جمع کرد و از بنی قضاعه هم کمک خواست و به زور شمشیر خزاعی ها را مغلوب ساخت و خود امیر مکه و متولی کعبه شد. قصی هنگام پیری مناصب خود را به پسر بزرگ خود «عبدالدار» داد و پس از او به فرزندان منتقل شد. (ابن هشام، بیتا ج 1، صص 117-129؛ بلعمی، 1373 ش، ج 3، صص 9-12)

آیین های عرب جاهلی

در اصطلاح قرآن و حدیث، به دوره عرب پیش از اسلام «جاهلیت» اطلاق شده است. در آن زمان، افکار اکثر جامعه کفرآمیز و اعتقادات شرک آمیز در بین مردم رواج داشت، البته تمامی این دوره را شرک و کفر فرا نگرفته بود، بلکه گاه در گوشه و کنار، عقاید توحیدی نیز وجود داشت، مانند آیین حنیف که پیروان آن خداپرست بودند. (ر.ک: سید جوادی و...، 1380 ش، ج 5، ص 281؛ حداد عادل، 1379 ش، ج 9، صص 510 و 511) واژه جاهلیت چهار بار در قرآن به کار رفته که در هر چهار مورد همراه با ملامت و نکوهش است، (ر.ک: آل عمران، 154؛ مائده، 50؛ احزاب، 33؛ فتح، 26) البته مشتقات جاهلیت نیز در آیات قرآن آمده است که در آنها هم انسان را از نوعی جهل باز میدارد. (ر.ک: عبدالباقی، 1387 ش، صص 233 و 234) در این بخش آیین های عرب جاهلی مورد بررسی قرار میگیرد.

اعراب موجودات مختلفی نظیر درختانی به نامهای «عزی» و «ذات انواط» را که به نظرشان عظمت و بزرگی داشتند، پرستش میکردند. (ر.ک: کلبی، 1348 ش، ص 18) آنان سنگها را نیز پرستش میکردند، مخصوصاً سنگهایی که تحت تأثیر باد و باران به شکلهای عجیبی درمی آمدند. (ر.ک: حداد عادل، 1379 ش، ج 9، ص 513؛ سید جوادی و...، 1380 ش، ج 5، ص 282) عده ای نیز به جن پرستی مشغول بودند. (ر.ک: انعام، 100؛ صافات، 158؛ سبأ، 41) علاوه بر این، بتهای ساخته خود را هم پرستش میکردند. (ر.ک: مائده، 90) از جمله بتهای آنها عبارتاند از: ود، سواع، یغوث، یعوق، نسر، (نوح، 23) لات، عزی، مناه (نجم، 19 و 20) و بعل (صافات، 125). آنها خدایی را هم میشناختند به نام «الله» که آن را خدای خدایان یعنی ارباب خدایان میدانستند. (ر.ک: حداد عادل، 1379 ش، ج 9، ص 513؛ سید جوادی و...، 1380 ش، ج 5، ص 282) طبق آیات قرآن، آنان «الله» را خالق آسمانها و زمین برمی شمردند. (ر.ک: لقمان، 25؛ زمر، 38؛ زخرف، 9 و 87؛ عنکبوت، 61) البته آنها

نیازهای خود مثل جلب روزی، دفع آفات و بلاها، رفع نگرانیها، حفظ کبان قبیله و... را از بتهای خود طلب میکردند. (ر.ک: اسماعیلی، 1391 ش، ص 450) آنان اعتقاد به سرنوشت غیرقابل تغییر داشتند و از این رو به کهانت روی آوردند. (ر.ک: حداد عادل، 1379 ش، ج 9، ص 513) برخی از آنها معتقد به وجود غول بودند و عقیده داشتند که تنها در شبها و جاهای خلوت پیدا میشوند و سر راه ها را در بیابانها گرفته، مردم را آزار میدهند. (ر.ک: سید جوادی و...، 1380 ش، ج 5، ص 282) نکته قابل توجه اینکه در آن زمان ستاره پرستی، خورشیدپرستی و ماه پرستی نیز وجود داشت (ر.ک: حج، 18؛ فصلت، 37) که بیشتر در بین مردم جنوب عربستان رواج داشت. (ر.ک: سید جوادی و...، 1380 ش، ج 5، ص 282) از این رو خداوند مشرکان را در گمراهی آشکار معرفی میکند. (ر.ک: آل عمران، 164؛ جمعه، 2)

بتهای موجود در شبه جزیره عربستان به دو دسته تقسیم میشوند:

1- بت های خانگی که بتهایی کوچک و ابتدایی بودند و هر شخصی مخصوص به خود بتی داشت و آن را در خانه نگهداری میکرد و در جنگها با خود میبرد. (کلبی، 1348 ش، ص 32 و 33)

2- بت های قبیله ای که یک یا چند قبیله همگی آن را میپرستیدند و این بت ها بسیار بزرگ بوده و در معابد نگهداری میشدند. برخی از مهمترین این بت ها عبارتند از:

1. وُدّ، نزد طایفه کلب 2. سُوَاع، نزد طایفه هُذَیل در یمن 3. یغوث، نزد طایفه مذحج و اهل جُرَش 4. یعوق، نزد طایفه خیوان در صنعا 5. نسر، نزد قبیله حمیر. (متعلق به اعراب جنوبی) (ر.ک: همان، ص 9-13) 6. لات، نزد طایفه بنیثقیف در طائف. 7. عَزَّى، نزد قریش در مکه 8. مناه، نزد اوس و خزرج در مدینه 9. هُبَیل، نزد قریش در مکه که بت بزرگی بوده است. (ر.ک: همان، ص 13-28) 10. بعل، نزد قبیله الیاس. (متعلق به اعراب شمالی)

آنان برای تقرب به بتهای خود، قربانی و هدایا و نذرهایی را به معبد تقدیم میکردند. از جمله این هدایا شترانی است که در قرآن به آنها اشاره شده است و عبارتاند از: «بحیره»، «سائبه»، «وصیله» و «حام». (ر.ک: مائده، 103) آنان برای پرستش خدایان خود و تقرب به آنها، از آداب و رسوم خاصی تبعیت میکردند. (ر.ک: اسماعیلی، 1391 ش، ص 453-456)

در شبه جزیره عربستان یهودی و مسیحی نیز وجود داشت، یهودیها افرادی ثروتمند و صاحب مال و زمین بودند و به تجارت و کشاورزی میپرداختند، یهودیان در مکه در حومه شهر زندگی میکردند، ولی در

مدینه جایگاه اجتماعی خاصی داشتند که مهمترین یهودیان مدینه سه قبیله «بنی نضیر»، «بنی قینقاع» و «بنی قریظه» بودند. مسیحیان نیز به صورت پراکنده در بین اعراب زندگی میکردند و در سرزمینهای شمال غربی و شمال شرقی عربستان و نجران و شام وجود داشتند و دولت حبشه و روم شرقی هم پشتیبان مسیحیان بودند. دین دیگری نیز در شبه جزیره عربستان وجود داشت که به دین حنیف معروف بود، اینان یکتاپرست بودند و از آیین ابراهیم (ع) پیروی میکردند و در جامعه جایگاه خاصی داشتند. از جمله گفته میشود که ابوطالب پیش از اسلام پیرو دین حنیف بوده است. (قاسمی حامد، 1389 ش، صص 204 و 205)

از جمله عقاید زشت اعراب، انکار قیامت و معاد بود. در آیات بسیاری از قرآن، به بی اعتقادی مشرکان به قیامت و معاد اشاره شده است. (برای نمونه ر.ک: انعام، 150؛ نحل، 22 و 60؛ اسراء، 10 و 45؛ اعراف، 45؛ هود، 19) اعراب از بین رفتن و پوسیدن بدن انسان را مانع احیای مجدد آن و تحقق آن را سحر میدانستند. (اسماعیلی، 1391 ش، ص 459)

آداب و رسوم عرب جاهلی

1. سنت های زشت

مهمترین عقیده زشتی که در بین اعراب وجود داشت، شرک بود یعنی آنان به جای خداوند یکتا، به پرستش چیزهای دیگر میپرداختند. این ویژگی و دوری از درگاه خداوند، خود مهمترین دلیل برای رواج سنتهای زشت در بین مردم آن زمان بود. این کارهای زشت که در بین مردم دوران جاهلیت رواج داشت عبارتاند از:

1-1- زنده به گور کردن دختران

خداوند در قرآن کریم بیان میدارد که اگر در آن زمان به مردی خبر میدادند که زنش دختر به دنیا آورده، چهره اش از شدت ناراحتی سیاه می شد و بسیار غضبناک می گردید (نحل، 58؛ زخرف، 17) از این رو نمیدانست که آیا آن دختر را با قبول ننگ نگهدارد، یا زنده به گور کند (نحل، 59) بنابراین از آنجا که نمیتوانستند دختر را بپذیرند، دختران خود را زنده در خاک پنهان میکردند. همچنین در قرآن بیان میشود که در قیامت از دختران زنده به گور شده، سؤال خواهد شد که به چه گناهی کشته شده اند. (تکویر، 8 و 9) این سنت در قبایل «بنی تمیم»، «بنی اسد»، «بنی قیس»، «هدیل»، «بکر بن وائل» و «کنده» رواج بیشتری داشت.

گفته شده است که عده ای، زنی را که میخواست زایمان کند، به کنار چاهی می بردند، اگر بچه اش دختر بود، آن را در همان چاه دفن

میکردند و اگر پسر بود، با خود می آوردند (ر.ک: طبرسی، 1380 ش، ج16، ص775) البته طبق فرموده خداوند در قرآن کریم، رسم فرزندکشی اعم از دختر و پسر در بین آنها شایع بوده است (ر.ک: انعام، 137 و140؛ ممتحنه، 12) اما باید در نظر داشت که آنها بین دختر و پسر تبعیض قائل بوده‌اند؛ چرا که به دلیل برتر دانستن پسر، آن را برای خود میخواستند و خداوند را دارای دختر میدانستند؛ یعنی آنها ملائکه را دختران خدا میپنداشتند. (ر.ک: اسراء، 40؛ صافات، 149-153؛ زخرف، 15-19؛ طور، 39؛ نجم، 21)

نکته قابل توجه اینکه در همان زمان نیز افرادی بودند که با این کار مخالف بودند و هست مواردی که شخصی با خریدن دختر از والدینش جان او را نجات میداد. (ر.ک: مکارم شیرازی، 1375 ش، ج11، ص274؛ شوشتری، 1417 ق، ج5، ص501) درباره اینکه به چه دلیل اعراب دست به این کار زدند، باید گفت که دلایل مختلفی وجود دارد از جمله:

1- فقر و قحطی؛ زیرا دختران همانند پسران نمیتوانستند کمک کار والدین باشند و برای ترس از فقر آنها را میکشتمند. (انعام، 151؛ اسراء، 31)

2- برقرار کردن تعادل جمعیت؛ زیرا در اثر جنگها مردان زیادی جان خود را از دست میدادند و تعادل جمعیتی به هم میخورد.
3- بی ارزشی زن، به طوری که زن را انسان نمیدانستند.
4- ترس از اینکه ناموسشان به دست دشمن اسیر شود.

به نظر میرسد دلیل اول و چهارم اصلی تر بوده اند، درباره دلیل چهارم آمده است: دختران قیس بن عاصم از بنی تمیم در جنگی اسیر شدند، ولی برنگشتند (حتی بعد از بازخريد) به جز آنهایی که ازدواج نکرده بودند. از این رو عهد کرد که دخترانش را بعد از این در همان هنگام تولد بکشد و دیگران را نیز به این کار تشویق کرد. (ر.ک: علم الهدی، 1379 ش، ج1، ص41 و42؛ سبحانی، 1376 ش، ج1، ص48)

در پایان باید گفت که در آن زمان، بین زن و مرد نیز تبعیض وجود داشت (ر.ک: انعام، 139) از جمله تبعیض های اعراب نسبت به زنان این بود که آنان را از ارث محروم میکردند؛ بنابراین خداوند بیان میدارد که زنان نیز ارث میبرند. (نساء، 7)

2-1- سوت و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا

خداوند در قرآن کریم بیان میدارد که عبادت اعراب در کنار خانه خدا، جز سوت کشیدن و کف زدن نبود (انفال، 35) یعنی آنها در طواف خانه خدا، تنها به سوت کشیدن و کف زدن می پرداختند و عبادت خاصی

را انجام نمیدادند.

یک سنت غلط دیگر که در بین اعراب رواج داشت، برهنه طواف کردن بود، علت آن، این بود که متولیان کعبه خود را از بقیه افراد برتر میدانستند و به این منظور برای خود لباسهای مخصوص به نام «حُمس» قرار داده بودند تا هنگام طواف از آن لباسها استفاده کنند؛ بنابراین برای کسانی که از متولیان کعبه نبودند و از جاهای دیگر به منظور زیارت خانه خدا می آمدند، مقرر کرده بودند که تنها در صورتی میتوانند به طواف خانه خدا پردازند که لباس حمس را پوشیده باشند و یا اینکه اگر با لباس خود به طواف میپردازند، میبایست بعد از طواف لباسهای خود را دور بیندازند. به همین خاطر عده زیادی که لباس حمس را نداشتند و نمیتوانستند آن را تهیه کنند و از طرفی حاضر به دور ریختن لباسهایشان نیز نمی شدند، برهنه و عریان به طواف خانه خدا می پرداختند. (نوری، 1360 ش، صص 288-290)

3-1- شراب خواری و فحشا

درباره نوشیدن شراب باید گفت که آنها تا اندازه ای به این کار انس گرفته بودند که به راحتی حاضر به ترک آن نبودند، به همین خاطر اسلام نوشیدن شراب را به تدریج و در چهار مرحله حرام اعلام کرد. (نحل، 67؛ بقره، 219؛ نساء، 43؛ مائده، 90) بنابراین به طور طبیعی کسی که به خوردن شراب پردازد؛ چون از حالت عقل خارج میشود، در نتیجه به هر عمل خلاف عفت نیز دست میزند مانند فحشا و فسادهای جنسی. به نظر میرسد که اعراب به شکل علنی و آشکارا به فحشا و زناکاری می پرداخته اند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم بیان میدارد که به فحشا نپردازید، چه به صورت علنی باشد و چه پنهانی. (انعام، 151؛ اعراف، 33) اعراب به دلیل تبعیت از پدران خود، به فحشا میپرداختند (اعراف، 28) در صورتی که این توجیه از جانب خداوند قابل قبول نیست. مهمترین مصداق فحشا در بین اعراب زنا بوده است که خداوند به شکل خاص آنان را از این کار برحذر میدارد (اسراء، 32؛ ممتحنه، 12) از جمله کارهای زشت که در بین اعراب وجود داشت، این بود که کنیزان خود را به فحشا و زناکاری وادار میکردند؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم از این کار نهی کرده است. (نور، 33) یکی از کارهای زشتی که در بین زنان در دوره جاهلیت وجود داشت، خودنمایی و خودآرایی بود که خداوند آنان را از این کار نیز برحذر داشته است. (ر.ک: احزاب، 33)

4-1- تجاوز، جنگ و خونریزی

اعراب علاوه بر فحشا، به تجاوز و ستمکاری نیز می پرداختند که

خداوند در قرآن کریم آنها را از این کار برحذر میدارد. (اعراف، 33) آنان همچنین به کشتار یکدیگر می پرداختند که خداوند آنها را از این کار نهی کرده است. (اسراء، 33) جنگ و خونریزی از افتخارات اعراب به شمار می آمد. آنان در اشعار خود، این خصلت زشت را مورد ستایش قرار میدادند و بنا براین ترک آن را ننگی برای خود به حساب می آوردند به همین خاطر به بهانه های اندک جنگ و خونریزی برپا میکردند و گاهی این جنگ و خونریزی ها سالیان دراز به طول میانجامید. از جمله بهانه هایی که موجبات جنگ را به وجود می آورد، میتوان به: راهزنی، شهوت پرستی، زورگویی و... اشاره کرد. اعراب علاوه بر جنگها، در بین خود نیز به خونریزی میپرداختند، از جمله آنها قربانی کردن کودکان در برابر بتها بوده است، به طوری که مثلاً پسر خردسال را می آوردند و در جلوی بت سر میبردند تا باعث برکت آنها شود. (ر.ک: علم الهدی، 1379 ش، ج 1، صص 74-83؛ سبحانی، 1376 ش، ج 1، صص 57-62؛ یوسفی غروی، 1383 ش، ج 1، صص 121-123) خداوند بیان میدارد که اعراب در گذشته با یکدیگر دشمنی داشتند، بنا براین خداوند به آنها نعمتی عطا کرد و آن اینکه میان دلهای آنها الفت و دوستی برقرار ساخت (ر.ک: آل عمران، 103) از این رو از جنگ و خونریزی فاصله گرفتند.

5-1- خرافات

خرافه های بسیاری در بین اعراب وجود داشت. از جمله مهمترین آنها عبارتند از: اعتقاد به ارتباط ارواح و کهکشانها؛ روشن کردن آتش برای باریدن باران؛ کتک زدن گاو نر برای آب نوشیدن گاو ماده؛ شتر نر سالم را داغ میزدند تا شتر ماده بیمار شفا یابد؛ شتری را کنار قبری دفن میکردند تا میت در هنگام حشر بر آن سوار شود و در آن روز بدون وسیله نماند؛ (بنا براین به نظر میرسد که انکار قیامت و معاد، در بین اعراب عمومیت نداشته است) اگر شخصی را سگ هاری گاز میگرفت، برای درمان او مقداری از خون بزرگ قبیله را به زخمش میزدند تا شفا یابد؛ کشتن شتری بر سر قبر میت به خاطر احترام به آن میت؛ اگر زنی بچه هایش بعد از تولد زنده نمی ماندند، میبایست به عقیده آنها هفت بار بر کشته مرد بزرگی قدم بگذارد تا بچه هایش زنده بمانند؛ هنگامی که گم میشدند، لباسهایشان را درآورده و وارونه میپوشیدند تا به اهلشان بازگردانده شوند؛ بر گردن مارگزیده و عقرب گزیده زیورآلات طلائی می آویختند تا شفا یابد؛ اگر علائم جنون در کسی ظاهر میشد، برای درمان او کهنه آلوده و استخوان مردگان را به گردنش می آویختند؛ برای رهایی بچه هایشان از دیو زدگی، دندان روباه و گربه را با نخی به گردن بچه ها می آویختند؛

برای درمان کورک لب و دهان بچه ها، مقداری نان و خرما به سگها میدادند؛ به کسی که بیماری ریختن پوست بدن داشت، آب دهان میمالیدند؛ اگر کسی بیماری اش ادامه مییافت، معتقد بودند که حیوانی متعلق به دیوها را کشته است و از این رو برای پوزش طلبیدن هدایایی را در برابر سوراخ کوه می گذاشتند؛ اگر از بیماری وبا و یا از دیو در روستایی میترسیدند، در دروازه آن روستا، ده بار صدای الاغ از خود درمی آوردند؛ اگر از خیانت زنان خود میترسیدند، برای اطمینان نخی را به شاخه درختی میبستند و سپس به مسافرت میرفتند، اگر موقع بازگشت نخ به حال خود باقی بود، زن خیانت نکرده و اگر مفقود شده بود، زن را به خیانت متهم میکردند؛ اگر دندان فرزندشان می افتاد، آن را با دو انگشت به آسمان پرتاب کرده و از آفتاب میخواستند دندانی بهتر از آن به فرزندشان بدهد. (ر.ک: علم الهدی، 1379 ش، ج 1، صص 74-83؛ سبحانی، 1376 ش، ج 1، صص 57-62؛ یوسفی غروی، 1383 ش، ج 1، صص 121-123)

6-1- تعصب و تقلید کورکورانه

از جمله ویژگی های اعراب طبق بیان قرآن کریم، تعصب بوده است. (فتح، 26) آنان نسبت به زبان عربی تعصب داشتند، از این رو خداوند بیان میدارد که اگر قرآن به زبان دیگری نازل میشد، آن را نمیپذیرفتند و میگفتند که آن را درک نمیکنیم (ر.ک: شعراء، 195، 198 و 199؛ فصلت، 44) بنابراین آنها نسبت به زبان خود تعصب بیجا داشتند، در صورتی که قرآن برای کسانی که به آن ایمان بیاورند، هدایت و شفا است (فصلت، 44). پس این مخالفت آنها از روی بهانه جویی بوده است؛ زیرا با اینکه قرآن به زبان عربی نازل شد، باز هم به آن ایمان نیاوردند. آنان نسبت به آیین بت پرستی خود نیز تعصب داشتند (ر.ک: فرقان، 41 و 42؛ ص، 4-7؛ کافرون، 2-5) از این رو حاضر نبودند تا آن را کنار بگذارند. آنان در آداب و رسوم خود به تقلید کورکورانه از پدران خود می پرداختند و میگفتند که چون پدران خود را در این راه یافتیم، خودمان نیز در این راه قدم برمیداریم. (بقره، 170؛ مائده، 104؛ لقمان، 21؛ زخرف، 22-24) آنان همچنین بیان میداشتند که حضرت محمد (ص) می خواهد آنان را از آیین پدرانشان دور کند (سبأ، 43) از این رو بر راه و رسم گمراه خود پافشاری می کردند. آنان تا اندازه های بر تقلید کورکورانه از پدران خود پایبند بودند که حتی به تبعیت از آنها به فحشا می پرداختند. (اعراف، 28)

7-1- فخر فروشی و امتیازات طبقاتی

اعراب بر یکدیگر فخرفروشی میکردند و دچار خودپرستی بودند به گونه ای که هرکس فقط خود را انسان و دارای فضایل و مقامات والا میدانست و دیگران را به حساب نمی آورد و به راحتی به آنها اهانت میکرد. در واقع ارزش انسانی در بین آنها از بین رفته بود و هرکس به دنبال منافع خود و خانواده اش بود. آنان برای ثروت، نژاد، زبان و... امتیاز قائل بودند و از این رو کسانی که نژاد اصیل عربی و ثروت زیاد و زبان فصیح داشتند، در طبقات بالای زندگی قرار می گرفتند و به این ترتیب مردم عربستان به دو دسته تقسیم میشدند:

1- ثروتمندان که امکانات رفاهی و پست های حکومتی در اختیار آنها بود.

2- فقیران که به وسیله ثروتمندان اذیت و آزار می شدند و مورد شکنجه قرار میگرفتند و حتی در بعضی موارد افرادی که نژاد پایین داشتند مثل سیاهپوست را به بردگی و غلامی میگرفتند. (ر.ک: نوری، 1360 ش، صص 615 و 616)

از جمله مواردی که اعراب در جاهلیت به وسیله آن بر یکدیگر فخرفروشی میکردند، افزونتر بودن تعداد بوده است. (ر.ک: تکاثر، 1 و 2)

1-8- خوردن خوک، خون و گوشت مردگان

اعراب خوک، خون و گوشت مردگان را میخوردند. آنان هیچ آدابی برای قربانی کردن حیوانات نداشتند، بنابراین آنان را به وسیله های مختلف می کشتند. همچنین حیوانات را به غیر نام خدا و برای بتها قربانی میکردند و میخوردند. به این ترتیب خداوند حرام بودن خوردن این چهار مورد را در قرآن بیان داشته است. (ر.ک: بقره، 173؛ مائده، 3؛ انعام، 145؛ نحل، 115)

1-9- قماربازی و رباخواری

از جمله کارهایی که در بین اعراب رواج داشته، قماربازی بوده که خداوند از آن نهی کرده است. (ر.ک: مائده، 90) قماربازی نشاندهنده این است که اعراب میخواستند به واسطه آن خودنمایی کنند و ثروت خود را به رخ دیگران بکشند و اینکه بی اعتنا در صرف آن هستند. رباخواری نیز در بین معاملات آنها وجود داشت و از این کار پروایی نداشتند. آنان برای رسیدن به سود بیشتر به این کار روی آورده بودند که خداوند آنان را از این کار نیز برحذر داشته است. (ر.ک: بقره، 275 و 278)

1-10- ازدواج ها و طلاق های گوناگون

با آنکه اعراب غیرت بیجا نشان میدادند و دختران خود را زنده به

گور میکردند، ولی سنتهای غلط و مفااسدی در زمینه ازدواج داشتند و آن ازدواجهای گوناگون بود که عبارتند از:

1- نکاح الاستیضاح: یعنی اینکه مردی زنش را نزد مرد دیگری بفرستد تا مدتی نزد او بماند و باردار شود، آنگاه نزد شوهرش برگردد. مثلاً اگر مردی دوست داشت بچه ای دلاور داشته باشد، زنش را نزد مردی دلاور میفرستاد.

2- نکاح الرهط: یعنی اینکه جمعی از مردان (کمتر از ده نفر) با یک زن ازدواج میکردند و همه با او رابطه داشتند و اگر بچه ای متولد میشد، آن زن بچه را به یکی از شوهرانش نسبت میداد و او موظف بود تکفل بچه را بر عهده بگیرد.

3- نکاح البدل: یعنی اینکه وقتی مردی از همسر مرد دیگری خوشش می آمد، به او پیشنهاد میکرد و زنهای خود را تا مدت معینی باهم عوض میکردند.

4- نکاح المقت: یعنی اگر مردی میمرد، زنش (نامادری بچه هایش) به پسر بزرگش به ارث میرسید (ر.ک: نساء، 19) و اگر پسری نداشت و یا وارثی نداشت، به یکی از مردان فامیلش تعلق میگرفت و میبایست به اجبار با آن شخص ازدواج میکرد.

5- نکاح الجمع: یعنی زنانی بودند که به بیبندوباری مشهور بودند و بر در خانه های خود پارچه ای سیاه نصب میکردند و هر مردی میتواندست به خانه آنها وارد شده و با آنها رابطه برقرار کند و این زنان از این راه کسب درآمد میکردند. البته اکثر این زنان کنیزانی بودند که صاحبان آنها برای آنها چنین خانه هایی را فراهم کرده و آنان را مجبور به این کار میکردند. (ر.ک: نور، 33) اگر این زنان بچه دار میشدند، قیافه شناسان بچه را به یکی از مردان نسبت میداد و او میبایست آن بچه را تحت تکفل میگرفت. درباره عده نگهداشتن زنان نیز باید گفت که آنها پس از مرگ شوهرشان، میبایست یک سال با لباسهای کثیف بالای قبر شوهر عزاداری میکردند و در این مدت حق شستشو و استفاده از زیورآلات را نداشتند و بعد از اتمام عده نیز باید گوسفندی را پرورش داده و آب و غذا میدادند و سپس آن را به قدری میزدند تا بمیرد و سپس پشگل گوسفند را در مناطق دور دفن میکردند، آنگاه میتوانند با مرد دیگری ازدواج کنند.

طلاق های گوناگونی نیز در بین اعراب وجود داشت که از این قرارند:

1- ایلاء: یعنی اینکه مردی قسم میخورد تا با همسرش همبستر نشود و او را تا آخر عمر معذب نگاه میداشت.

2- ظهار: یعنی اینکه وقتی مردی از زنش ناراحت میشد، به او میگفت

که تو به منزله مادر برای من هستی و دیگر به او نزدیک نمیشد.
(ر.ک: احزاب، 4؛ مجادله، 2 و 3)

3- ضرار: یعنی اینکه مردانی زن خود را بارها طلاق میدادند و هر بار قبل از پایان یافتن عده رجوع کرده و باعث آزار زن میشدند. آنان حتی بعد از گرفتن طلاق از شوهرشان تنها در صورتی میتوانستند با مرد دیگری ازدواج کنند که از شوهر اول اجازه بگیرند. (ر.ک: نوری، 1360 ش، صص 615 و 616)

2- سنت های پسندیده

علاوه بر سنت های زشت و رفتارهای ناپسند، کارهای شایسته ای نیز در بین اعراب وجود داشت که عبارتند از:

1-2- مهمان نوازی

اگر مهمانی می آمد و همچنین اگر کسی به کس دیگری پناه می آورد و از او امان میگرفت، آن شخص تا پای جان از او محافظت میکرد و خیانت کردن به مهمان را گناهی بزرگ میدانست. برای نمونه میتوان به جریان پناهندگی حضرت محمد (ص) توسط مطعم بن عدی در بازگشت از طائف اشاره کرد که آن حضرت تحت حمایت مطعم و همراهانش به سلامت وارد مکه شد و هیچیک از مشرکان متعرض او نشدند. (ر.ک: مقریزی، 1420 ق، ج 1، ص 46)

2-2- وفای به عهد

وفای به عهد، یک خصلت پسندیده است، مگر اینکه پیمان و عهدهای که با یکدیگر بسته اند، به زیان جامعه باشد. زندگی بادیه نشینی این خصلت را بر اعراب جاهلی تحمیل کرده بود. از جمله نمونه های وفای به عهد در بین اعراب، پیمان حلف الفضول و پیمان عبدالمطلب با خزاعه است. (ر.ک: عاملی، 1384 ش، ج 1، صص 172 و 173)

2-3- شجاعت

با توجه به شرایط آن زمان و وجود حیوانات درنده، هر شخصی موظف بود تا شخصاً خود و خانواده خود را از خطرات حفظ کند و برای مواجهه با این مشکلات نیاز به شجاعت بود. از این رو شجاعت در میان آنها فضیلت زیادی داشت. (ر.ک: همان، ج 1، ص 171)

2-4- حمایت از مظلومان و همپیمانی در آن

روحیه حمایت از مظلومان در بین اعراب وجود داشت؛ چرا که در آن زمان که اکثر مردم عرب به چپاولگری و غارت می پرداختند، عده ای مظلوم که توان مقاومت نداشتند، صدمه های زیادی می دیدند. از این رو اعراب در برخی موارد برای حمایت از مظلومان، با هم هم پیمان می

شدند. از جمله نمونه های هم پیمانی اعراب برای حمایت از مظلومان، پیمان حلفا لفضول است. (ر.ک: ابنکثیر، 1407 ق، ج2، صص290-293؛ یعقوبی، بیتا ج2، ص17)

5-2- قصاص

مسئله خون در میان آنان وجود داشت، به طوری که اگر شخصی از قبیله، شخص دیگری را میکشت، او را به واسطه کشتن آن شخص، قصاص میکردند، ولی گاه از روی افراط فقط به کشتن قاتل اکتفا نمیکردند و مخصوصاً در خصومت های بین قبیله ای علاوه بر کشتن قاتل، عده ای از افراد آن قبیله را نیز می کشتند. اسلام این ویژگی اعراب را تأیید کرد و آن را مورد قبول دانست، ولی از افراطی گری هایی که در این کار وجود داشت، جلوگیری کرد و آن را اصلاح نمود؛ بنابراین خداوند در قرآن کریم آنان را از اینکه علاوه بر قاتل، اشخاص دیگری را به قتل برسانند، برحذر داشت. (ر.ک: اسراء، 33)

6-2- حرام شمردن بعضی ماه ها برای جلوگیری از جنگ و خونریزی

اعراب به منظور جلوگیری از جنگ و خونریزی، چهار ماه رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم را حرام می شمردند و در آن به جنگ و خونریزی نمی پرداختند. در قرآن نیز از جنگ و خونریزی در ماه های حرام نهی شده است. (ر.ک: بقره، 217؛ مائده، 2؛ توبه، 5 و 36) همچنین حرم مکه در جاهلیت برای مشرکان محل امن بوده است (ر.ک: قصص، 57؛ عنکبوت، 67) بنابراین از جنگ و خونریزی در حرم مکه نیز پرهیز می نمودند. به این واسطه تا اندازه ای از جنگ و خونریزی فاصله می گرفتند، ولی با این حال در مواردی این حرمت شکسته شد و در ماه های حرام نیز به جنگ پرداختند. آنان برای توجیه عمل خود؛ یعنی جنگ و خونریزی در ماه های حرام، به جابه جایی ماه های حرام می پرداختند. (ر.ک: توبه، 37)

7-2- اهتمام به برخی دانش ها

نسب شناسی، پزشکی و محاسبه ایام در بین اعراب وجود داشت. همچنین مطالعه داستان ها و ضرب المثلها و... برای هدایت و نشان دادن راه درست به دیگران رواج داشت که این اشخاص را «حکیم» میگفتند. البته علم آموزی در دوره جاهلیت محدود بوده است. (ر.ک: اسماعیلی، 1391 ش، صص459-461) از دیگر علوم که در بین اعراب وجود داشت، می توان به ادبیات اشاره کرد. ادبیات عرب جاهلی بر دو نوع نثر و شعر بوده است. البته به دلیل شرایط و اوضاع سخت اجتماعی تنها عده ای معدود و انگشت شمار موفق به سوادآموزی میشدند. نثر عربی کهن به دلیل خاصیت زبان عربی دارای وزن است و بیشتر مباحثی از طبیعت و زندگی

در آن مطرح میشود. شعر جاهلی دارای قالب های محکم هست و در آن شعر براساس قوانین دقیق سروده شده است. بعضی از شاعران جاهلی اشعار خود را با آب طلا نوشته و بر دیوار کعبه آویخته بودند و آن را معلقات میگفتند که هفت قصیده از هفت شاعر بوده است که عبارتند از: امرؤالقیس، طرفه بن عبد بکری، زهیر بن ابی سلمی مزنی، لبید بن ربیعہ عامری، عمرو بن کلثوم عدنانی، عنتره بن شداد عبسی و حارث بن حلزه عدنانی. (ر.ک: آیتی، 1361 ش، صص 16-20) به طور کلی نمیتوانیم مراکز ادبی خاصی را برای اعراب نام ببریم؛ زیرا آنها افرادی بیابانگرد بودند و تنها زمانی که از جنگ و نزاع قبیله ای فارغ می شدند، دور یکدیگر جمع شده و شعر می گفتند؛ اما با این حال بازارهایی بود که در آن اشعار سروده شده، خوانده می شد و شعرها را نقادان میکردند. از بازارهای معروف که در آن شعر عرضه میشد، می توانیم بازار «عکاظ» و «مرالظهران (ذوالمجاز)» را نام ببریم. (ر.ک: همان، صص 21-23) هرچند این علوم در آن زمان محدود بودند، ولی اثرات آنها بر جای مانده است.

نکته قابل توجه اینکه این ویژگی های خوب نیز تنها در مواردی به خاطر حس نیکوکاری انجام میشد، ولی در موارد دیگر به منظور خودنمایی بود.

نتیجه

- 1- به دوره عرب پیش از اسلام در اصطلاح «جاهلیت» میگویند که در آن شرک و کفر و سنت های زشت بسیاری رواج داشت، البته تمامی دوره جاهلیت را شرک و کفر فرا نگرفته بود، بلکه خدا پرستی و سنت های پسندیده نیز وجود داشت.
- 2- علت نامگذاری این دوره به جاهلیت از باب غلبه کل بر جزء بوده است؛ یعنی از آنجا که شرک و کفر و طرفداران آن در جامعه عرب جاهلی اکثریت بوده اند، به این نام خوانده شده است.
- 3- زنده به گور کردن دختران؛ سوت و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا؛ شراب خواری و فحشا؛ تجاوز و جنگ و خونریزی؛ خرافات؛ تعصب و تقلید کورکورانه؛ فخر فروشی و امتیازات طبقاتی؛ خوردن خوک، خون و گوشت مردگان؛ قماربازی و رباخواری؛ و ازدواج ها و طلاق های گوناگون، از سنت های زشت عرب جاهلی هستند. اعراب با این سنت های زشت خو گرفته بودند، از این رو به راحتی حاضر به ترک آنها نبودند.
- 4- مهمان نوازی؛ وفای به عهد؛ شجاعت؛ حمایت از مظلومان و هم پیمانی در آن؛ قصاص؛ حرام شمردن بعضی ماهها برای جلوگیری از جنگ و خونریزی؛ و اهتمام به برخی دانش ها، از سنت های پسندیده عرب

جاهلی هستند. این سنت های پسندیده تنها در مواردی محدود به خاطر حس نیکوکاری انجام میشود، ولی در بسیاری موارد برای خودنمایی و فخر فروشی بوده است.

5- نم میتوان سنت های پسندیده عرب جاهلی را نادیده گرفت؛ زیرا همین سنت ها بود که در نهایت فطرت خفته بسیاری از آنها را بیدار کرد و تأثیر بسزایی در هدایت آنها داشت. همچنین اثرات این سنتهای پسندیده بر جای مانده است.

6- با نگاهی به جهان امروز پی میبریم که سنت های زشت عرب جاهلی، بار دیگر بروز کرده و کشورهای بسیاری را به خود مشغول ساخته اند. بنابراین برای رهایی از این سنت های زشت، باید به عبرت آموزی از تاریخ پرداخت و راه پیامبر اسلام(ص) را ادامه داد.

برگرفته از سایت : حبل المتین

مقاله از : مرتضی قاسمی حامد

بیانیه آیت ا... شاهرودی در پی هجوم نوادگان اعراب جاهلیت به یمن

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی در ارتباط با تحولات یمن بیانیه ای صادر و تجاوز عربستان سعودی و همپیمانانش را به این کشور شدیداً محکوم کرد.

به گزارش شفقنا متن کامل بیانیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

(اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير)

امت اسلامی این روزها شاهد مرحله دشوار و شرایط حساسی می باشد که

بیانگر مرحله جدیدی از نقشه های دشمنان اسلام و توطئه آنان بر ضد امت اسلامی و هویت آن است.

پس از حوادث تلخ و فتنه های مذهبی و داعشی ننگینی که در عرصه جهان اسلام بطور کلی، و بطور خاص علیه ملت های مظلوم سوریه و عراق، شاهد بوده ایم که وحدت امتا اسلام و مذاهب و اقوام متنوع آنرا به لرزه در آورده و آنرا تکه پاره کرده و هیبت و وجه آنرا برای خدمت به استکبار جهانی و صهیونیستم خدشه دار کرد، امروز نیز شاهد تجاوزی نابکارانه به حاکمیت دولت اسلامی دیگر و ملت مسلمان و انقلابی دیگر هستیم که همانا یمن عزیز هستیم که هدف از آن پامال کردن اراده این ملت مجاهد و انقلابی است، ملتی که توانست با اراده و فداکاری خود بر نظام فاسد و ستمگر و مزدور بیگانگان و بر عوامل داعشی و تکفیری آن که سالهای طولانی با گسترش فساد در همین، افراد بی گناه را کشته و مساجد و معابر و خانه های خدا را که در آن نام خدا برده می شد و نماز و دعا اقامه می گردید را ویران کردند.

پس فرزندان این ملت مجاهد و قهرمان، به پا خاستند و علیه قبائل و اقوام و گروهها و کمیته های مردمی مخلص آن، سرزمین یمن، از ناپاکی القاعده و تکفیریها پاک گردانید و خائنان را اخراج کرد و مردمسالاری و اراده ملت را جایگزین کرده و انقلاب خود را در مناطق مختلف این سرزمین عزیز گسترش داد.

اما ایادی استکبار و صهیونیسم و مزدوران آنها در منطقه، بازهم ظاهر گردیده و با دخالتی آشکار و حمله ای وحشیانه به این انقلاب مبارک حمله آوردند، پس از آنکه تلاشهای آنها برای جلوگیری از آنان ماموفق ماند و همگی آنان در حمله نظامی و بمباران مناطق مسکونی و شهرها و کشتن کودکان و زنان بیگناه هم پیمان شده اند.

اما نکته تعجب برانگیز در این موضوع آن است که اتحاد کشورهای منطقه ای و عربی که ادعای اسلام و عربیت می کنند، علیه این کشور عربی، با تحریک و تشویق آمریکایی و به بهانه بازگرداندن حاکم معزول به خاطر خیانت و استعفای وی به قدرت و تحمیل وی بر اراده ملت یمنی، اتفاق افتاده است. اما این کشورهای مدعی اسلام و عربیت کجا بودند هنگامی که ملت مظلوم فلسطین و مردم قهرمان غزه و لبنان و سوریه علیه تجاوز اسرائیل کمک می خواستند؟ و این ارتشها و هواپیماها و نیروهای نظامی و مجلس خلیجی و عربی و اسلامی آنگاه کجا حاضر بودند؟ و موضع آنان نسبت به تجاوز همه روزه علیه سرزمین فلسطین و اسلامی و عربی اشغال شده از سوی اسرائیل چگونه است؟ و تا

کی این نیرنگ و حيله و نفاق و دروغ که برای امت اسلامی و عربی مفتوح گردید است؛ ادامه خواهد داشت؟

این سازمانها همگی عواملی برای قدرتهای استکباری و صهیونیستی در منطقه هستند. لذا ما ضمن محکوم کردن این تجاوز و دشمنی، اقشار مختلف امت مسلمان، شامل علما و روشنگران و نخبگان و مجاهدان و عموم مردم را به هوشیاری و آگاهی و آمادگی کامل برای رویارویی با چالشهای این مرحله حساس و ایستادگی در برابر فریب و توطئه دشمنان اسلام، دعوت می کنیم و خواستار توقف فوری کلیه شکل های تجاوز و هجوم از سوی نظام سعودی و هم پیمانان او هستیم و آنها را مسئول این جنایت زشت می دانیم و از کلیه اقشار ملت مجاهد یمن می خواهیم که با صبر و استقامت و توکل به خداوند متعال، با جهاد در برابر متجاوزان، از عزت و کرامت و حاکمیت و انقلاب خود، با فداکاری و ایمان و اخلاص دفاع کند و از خداوند متعال خواستار پیروزی و موفقیت آنها هستیم که او سمیع و مجیب است.

(ولا تهنوا ولا تحزنوا وأنتم الأعلون إن كنتم مؤمنين)
(إن تنصروا الله ينصركم ويثبت أقدامكم)

سید محمود هاشمی شاهرودی

نامه محسن رضایی به رهبر انصار ا... در پی حمله ی اعراب جاهلیت به یمن

محسن رضایی در نامه ای به عبدالملک الحوثی، رهبر انقلابی یمن تأکید کرد؛ با پیروزی انصارالله، ادبیات سیاسی جهان و بلکه مسیر و سرنوشت ملتها در خاورمیانه متحول میشود.

به گزارش «تابناک» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دکتر رضایی متن این نامه بدین شرح است؛

بسم الله الرحمن الرحيم

أُذِينَ لِّلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ
اللَّهَ عَالِمُ نَجْوَاهُمْ لَقَدِيرٌ

برادر عبدالملک الحوثی

رهبر عالیقدر یمن

مقاومت قهرمانانه ملت پر افتخار یمن و پیروزی های شما فرزندان راستین اسلام را در مقابل متجاوزین قابیلی که با کسب مجوز هجوم از شیطان بزرگ و اسرائیل غاصب به یمن تاخته اند به شما تبریک می گویم. هرچند که دیپلماسی مقاومت در کنار فداکاری در جبهه های دفاع از شرف و حیثیت و حقوق مردم، امری پسندیده و بلکه جزیی از آن است ولی امروز برای آنکه جاهلان متجاوز بر سرعقل آیند مقاومت از دهانه تفنگ های غیرت و شهادت طلبی جوانان برومند یمنی می گذرد. با مقاومت در صحنه نبرد است که میزهای دیپلماسی فعال خواهد شد. بعید نیست در پی آن باشند که پس از قدرتمایی هوایی، شما را به میز مذاکره دعوت کنند تا یمن را تجزیه و به دو یمن شمالی و جنوبی تقسیم کنند. البته شما مصالح خود را بهتر از هر کس تشخیص می دهید، ولی موفقیت دیپلماسی فردا به مقاومت امروز شما در صحنه نبرد وابسته است.

رزمندگان اسلام

توجیهات و استدلال های دولتمردان عربستان در حمله به یمن، آنقدر بی محتوا، سست و دروغین است که هر سوی آن را بپوشانند، سوی دیگر، رسواکننده و برملاست. چه کسی می پذیرد که نامه یک رئیس جمهور مستعفی و فراری، بهانه ای برای حمله نظامی به یک کشور قلمداد گردد و هزاران فرد بی گناه، به خاک و خون کشیده شوند؟! مگر آنکه او از متجاوزین خواسته باشد که مردم یمن را قتل عام کنید! آن ها خوب می دانند که کشتن بی گناهان در محضر الهی و نیز در افکار عمومی جهان، جرمی نا بخشودنی است. بی تردید نزد وجدان خود، پاسخی نخواهند داشت و در نتیجه خواهند گفت، آنچه گفته ایم بهانه ای بیش نیست آنگاه ضعف و ترس متجاوزان و روحیه پلیسی دولتمردان عربستان، در اقدام نامشروعشان بیشتر برملا خواهد شد و قطعاً همین فقدان منطق و اقدام غیر انسانی و غیر اسلامی آنان، شکست متجاوزان و پیروزی شما را به حول و قوه الهی رقم خواهد زد؛ یعنی تجاوز - که بزرگترین گناه تلقی می شود - همراه با ضعف و وحشت، مشابه اقدامی است که دست

پروردگان آنان یعنی داعش، با هدف قدرت نمایی، اسیران را دست و پا بسته، سر می‌برند. این گناهانِ نابخشودنی، زمانی که به نام اسلام و یا امنیت، صورت می‌گیرد، به جرم بزرگتری تبدیل می‌شود.

برادر عزیز و انقلابی، رهبر گرانمایه یمن

تاریخ نشان داده است که آینده از آن جبهه حق است. امروز جبهه مقاومت در یمن، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و بحرین در مقابل جبهه تجاوز که اسراییل و عربستان است صف آرایی کرده، مقاومت و تجاوز، ادبیات سیاسی جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است. بیشک شما با استعانت از خداوند متعال و پیروزی خود، می‌توانید نه تنها ادبیات سیاسی جهان، بلکه مسیر و سرنوشت ملتها را در خاورمیانه رقم بزنید. منطقه خاورمیانه در حال حرکت به سوی یک نظم جدید انسانی و اسلامی است. متجاوزان به این دلیل به شما حمله کرده‌اند که می‌خواهند از دخالت ملتها در سرنوشت خود جلوگیری کنند. آنها نمی‌خواهند ملتها به استقلال و آزادی دست یابند. جرم شما این است که می‌خواهید یمن، توسط یمنی‌ها اداره شود. در سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و بحرین هم همین صدا از ملتها شنیده می‌شود. آیا دشمنان می‌توانند این خواسته‌های بحق ملت‌های منطقه را که بیش از صد سال است بدنبال آن هستند نادیده بگیرند. مطمئناً نخواهند توانست ارزش‌های جبهه مقاومت (آزادی و استقلال و مردمسالاری در چهارچوب اسلام) را در دل و جان ملتها سرکوب کنند.

فرزند عاشورایی یمن

امروز جهان اسلام در حال بیداری واقعی است. تلاش مذبوحانه طایفه سازی و مذهب سازی‌های صهیونیستی و متعصبانه جاهلی را، یارای خاموشی این حرکت اسلامی نیست. همه می‌دانند که ایران حتی یک عنصر نظامی هم در یمن نداشته است. البته دشمنان در پی آن هستند که با این تبلیغات، ایران حتی به درمان مجروحین مسلمان هم نپردازد. آنها حتی از تخت‌های بیمارستان‌های ایران هم وحشت دارند. باید رمز و راز این ابهت و عظمت را کشف کنند. آنها هم اگر برای مردمسالاری و استقلال و آزادی مبارزه کنند صلابت پیدا خواهند کرد و اگر به تجاوز ادامه دهند هر روز در دنیا و در نزد افکار عمومی ضعیف‌تر و بی‌آبروتر خواهند شد. جلسه شرم‌الشیخ، نمایش سلاطین در مقابل قدرت الهی بود و به زودی درخواهند یافت که «یدالله فوق ایدیهم». تردیدی نیست که جبهه مقاومت بر جبهه تجاوز پیروز خواهد شد. جهان، تشنه ادبیات مقاومت در مقابل تجاوز به حقوق انسان‌ها و تعدی به

مرزهای رسمی کشورهاست، اطمینان داشته باشید که نه تنها در جهان اسلام، حتی در افکار عمومی جهان، طرفداران جدی و گسترده، خواهید یافت. به نفع برادران قابیلی ماست که هرچه سریع‌تر حملات را قطع کنند و به گفت‌وگو با شما روی آورند. تنها راه حل مشکلات کشورهای اسلامی میزگفت‌وگو و برادری است. با حوادث سوریه و عراق و یمن می‌خواهند جبهه اصلی را که مبارزه با رژیم اشغالگر قدس است، تغییر دهند، ولی همان‌طور که رزمندگان اسلام صدام را به جای خود نشانند و از مبارزه با اسرائیل هم دست نکشیدند، امروز برادران ما در یمن و سایر مناطق نیز باید به این مهم همت گمارند.

برادر شما محسن رضایی

پاسدار انقلاب اسلامی